

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کمیته جوانان بلژیک

۰۵ اگست ۲۰۱۴

به راستی آنچه تصورش دشوار است

نه ظلمت بل بامداد است *

درباره فلسطین؛ واقعیت سخت و وظیفه تاریخی

وضعیت در فلسطین عادی است. وضعیت در نوار غزه عادی است. وضعیت در اسرائیل هم عادی است. از چند هفته پیش باز هم شاهد آتش‌بازی در غزه هستیم. اسرائیل با ارتش مدرن و سپر دفاع ضد موشکی خود، نوار غزه را در هر دقیقه چندین بار می‌کوبد. حماس نیز راکت‌های جدید خود را به سوی شهرهای مرزی و چند شهر بزرگ اسرائیل شلیک می‌کند. تا کنون بیش از هزاران فلسطینی کشته شده و خانه‌ها و بیمارستان‌ها و مدارس بسیاری ویران شده‌اند. کودکان بسیاری یتیم شده و کودکان بسیاری کشته شده‌اند. دولت اسرائیل که خود را در معرض تهدیدات حماس می‌خواند، حملات گسترده خود را تا خلع سلاح و تسلیم حماس پیش می‌برد، حماس نیز بدون پذیرفتن آتش‌بس‌های پیشنهادی، پرتاب راکت را ادامه می‌دهد و مطالبات بیشتری را مطرح کرده است، کشورهای منطقه نیز مواضع مختلفی اتخاذ کرده‌اند و درگیر و دار رویارویی با دولت اسلامی (داعش) و وقایع کردستان عراق با احتیاط بیشتری به موضع‌گیری می‌پردازند. خامنه‌ای در خطبه‌های نماز عید فطر اعلام کرد که مسلمانان جهان باید حماس را مسلح کنند! تا نشان دهد علی‌رغم اختلافاتی که با حماس بر سر مسأله سوریه دارد اما حفظ محور ایران – سوریه – حزب الله و حماس برایش ستراتیژیک است. امریکا و دولت‌های اروپایی، نگرانی‌های امنیتی اسرائیل را درک می‌کنند و خواهان آتش‌بسی هستند که نه سیخ بسوزد و نه کباب یعنی این‌که اوضاع منطقه از این بدتر و پیچیده‌تر نشود و یک طرح دو مرحله‌ای تدارک دیده‌اند که هم حماس و هم اسرائیل آن را رد کرده‌اند و... لیست این خبرها بسیار طولانی‌تر از ۶ دهه جنگ فلسطین و اسرائیل است و به جرأت می‌توان گفت کمتر کسی آن را دنبال می‌کند. گویی همه منتظر اعلام نتیجه هستند. از این رو وضعیت در فلسطین و نوار غزه و اسرائیل عادی است.

مبارزه فلسطین، با رهبری و پیش‌گامی نیروهای چپ و کمونیست آغاز شد. رهبران و نیروهای مختلف چپ، مبارزه‌ای را هدایت می‌کردند که بر یک بستر جهانی متفاوت با امروز جریان داشت. بر بستری که هنوز آرمان‌خواهی برجسته بود و آرمان‌رهایی خلق فلسطین به بسیاری از مبارزات جهان الهام می‌بخشید. فلسطین و اردوگاه‌های چریکی فلسطینیان؛ دانشگاه رزم و مدرسه مبارزه بسیاری از انقلابیون دنیا بود. انقلابیون ایرلند، اروپا، ایران و بسیاری از کشورهای دیگر دنیا در این جنبش آموختند و در مبارزات انقلابی کشورهای خود به کار بستند. جنبش فلسطین بدون این‌که خاکی از خود داشته باشد، مقر یک همبستگی انترناسیونالیستی بود.

وضعیت امروزین جنبش فلسطین، کیفیتاً چیز دیگری است. جنبش امروز فلسطین توسط دو نیروی معین رهبری می‌شود: دولت خودگردان فلسطین که کنترل کرانه باختری رود اردن را عهده‌دار است و حماس که بر غزه حاکم است. دولت خودگردان که از رهبران قدیمی و عمدتاً سکولار – ناسیونالیست فلسطین تشکیل شده است، امروزه نماد و سمبل فساد است. پس از قرارداد صلح اسلو در سال ۱۹۹۴ تا کنون چرخش‌های بزرگی در سیاست و مبارزه این بخش از نیروها ایجاد شده است. البته رهبران فلسطین از اواخر سال‌های ۷۰ میلادی و آغاز دهه ۸۰ این چرخش‌ها را آغاز کردند که بدون شک بسیار متأثر از وضعیت آشفته جهانی بود. کودتای رویونیست‌ها در چین سوسیالیستی پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ و تغییر سیاست‌های حمایتی چین از جنبش‌های رهایی‌بخش، تبدیل شوروی به یک قدرت متجاوز امپریالیستی، عقیم ماندن انقلاب در بسیاری از کشورها و از همه مهمتر به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در ایران عواملی بودند که بر جنبش فلسطین تأثیرات تعیین کننده‌ای گذاشتند. کمونیست‌های دنیا در وضعیت گجی به سر می‌بردند و مبارزات دهه ۶۰ و ۷۰ افت کرده بود. در سال‌های آغازین دهه ۷۰ رهبران فلسطین به ویژه یاسر عرفات، تغییرات زیادی در اهداف مبارزاتی خود دادند. در سال ۱۹۷۴ عرفات در حالی که قاب طپانچه ای به خود بسته و شاخه زیتونی در دست داشت در مقابل مجمع عمومی سازمان ملل حضور یافت. او در یک سخنرانی تاریخی هشدار داد که: "نگذارید شاخه زیتون از دست من بیفتد!" البته در آن لحظه قاب طپانچه‌اش خالی بود و چیزی که در آن دوران داشت از دستش می‌افتاد اسلحه بود و نه شاخه زیتون! روند این چرخش در نگرش‌های رهبران فلسطین ادامه داشت تا این‌که پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ میان اسرائیل و عرفات امضاء شد و یک ضربه کاری دیگر به جنبش فلسطین وارد شد. قرارداد صلح اسلو قرار بود فلسطین مبارز را وادار کند که رهبری سرکوب جنبش‌های مردمی و جنبش زنان و هر خیزشی علیه صهیونیسم را بر عهده بگیرد. یکی از مفاد این قرارداد به وضوح بیان می‌کرد که هیچ‌گونه مقاومتی علیه صهیونیسم در کرانه غربی وجود نداشته باشد و اسرائیل هم از شهرک‌های احداث شده عقب نشینی کند. اسرائیل به هیچ کدام از تعهداتش عمل نکرد ولی امروزه پولیس فلسطینی و دولت خودگردان در برابر مبارزات جوانان قرار گرفته است و حتی تظاهرات ایشان را سرکوب می‌کند و جلوی سنگ انداختن جوانان مبارز و رادیکال را می‌گیرد، جنبش زنان فلسطین نیز از بین رفت و در عوض هزاران ان. جی. او. سر بر آوردند که برای رفع خشونت علیه زنان کار می‌کنند و دولت خودگردان آن‌ها را از سیاست به دور نگه می‌دارد.

در چنین فضائی بود که در اواخر دهه ۸۰ جنبش مقاومت اسلامی (حماس) که وابسته به اخوان المسلمین بود، نقش مؤثری در انتفاضه ایفاء کرد و به تدریج خود را در مبارزه فلسطین تثبیت نمود. در خلال اجرای قرارداد اسلو و سرشکستگی بسیاری از فلسطینی‌ها و تحقیر دهه‌ها مبارزه برای رهایی، حماس با ایدئولوژی اسلامی راه را برای توده‌های ناراضی از سیاست‌های دولت خودگردان، باز کرد. در سال ۲۰۰۷ و در جریان جنگی میان دولت خودگردان و حماس، نیروی حماس موفق به کنترل غزه شد. امروز این نیرو با وجود ایدئولوژی اسلامی و واپس‌گرایانه‌اش، بیشتر از دولت خودگردان مورد قبول است. چرا که این نیرو به اتکای ارتباطاتی که با دولت‌هایی مثل ایران و نیروهای اسلامی منطقه مانند حزب‌الله دارد، به طرف اسرائیلی‌ها موشک شلیک می‌کند و خود را نماد مقاومت فلسطین می‌خواند. امروزه رهبری حماس، نوع مبارزه خود و استفاده از مردم و ... را با نیروهای مقاومت فرانسه در دوران جنگ جهانی دوم مقایسه می‌کند و جهان را به داوروی دعوت می‌کند.

وضعیتی که امروزه در غزه شاهد آن هستیم، تازگی ندارد و احتمالاً به تقویت نیروهای اسلام‌گرائی چون حماس منتهی خواهد شد. متأسفانه شاهد بروز گرایش‌های خطرناکی در میان توده‌های ستمدیده در برخورد با این اوضاع

هستیم. از یک طرف توده‌های ستمدیده‌گرد که توسط نیروها و رهبری ناسیونالیست خود هوراکش اسرائیل هستند و از طرف دیگر مردم ایران و ترکیه که میان حمایت از فلسطین و تنفر از فلسطین به دو دسته تقسیم شده‌اند. در کردستان بسیاری از مردم خواهان محو فلسطین هستند چون نیروهای اسلام‌گرا در آنجا فعال هستند. آن‌ها خواهان تکرار دموکراسی برتر منطقه یعنی اسرائیل در کردستان هستند و از همکاری‌های امنیتی و نظامی دولت اقلیم کردستان با دولت اسرائیل استقبال می‌کنند. باید به تاریخ رجوع کرد و به یاد آورد که چگونه بسیاری از مبارزان انقلابی کردستان، در اردوگاه‌های فلسطینی آموزش دیده و با اسلحه به سمت کردستان باز می‌گشتند و مبارزه خود را ادامه می‌دادند. فلسطین در تاریخ مبارزات انقلابی کردستان یک همبستگی انترناسیونالیستی و انقلابی را ثبت کرده است و مردم کردستان باید این را بدانند. بخش وسیعی از مردم ایران نیز در تضادی که با جمهوری اسلامی دارند، از فلسطینی‌ها متنفّر هستند و این بسیار خطرناک است. مخالفت با جمهوری اسلامی و یک نظام تئوکراتیک منجر به گسترش جو نژادپرستی ضدعرب و به ویژه ضد فلسطینی شده است. مردم ایران نیز باید واقعیت‌های تاریخی مبارزه فلسطین و نقش انترناسیونالیستی آن بر تحولات ایران را بدانند.

بحث راه حل در مورد فلسطین به تحلیل و نتیجه‌گیری از فاکتورهای زیادی وابسته شده است. در باب راه حل، توده فلسطینی یأس شدیدی احساس می‌کند چرا که احزاب اعتبار خود را از دست داده‌اند و نوعی جبهه‌گیری از سوی نسل جوان علیه نسل قبل بارز است. آن‌ها از فساد همه جانبه دولت خودگردان با شفافیت حرف می‌زنند و می‌گویند که محمود عباس در واقع سخنگوی نتانیا هو است. از سوئی، سازمان حماس نیز یک نیروی ارتجاعی و سازشکار است. مردم فلسطین این مسائل را می‌دانند و می‌بینند. در واقع امید به رهایی در فلسطین به قدری کم‌رنگ شده است که توده‌های عاصی و جوانان خشمگین خود را میان دو نیروی حاضر در صحنه اسیر می‌بینند. نیروی دیگری در صحنه وجود ندارد که باروت ۶ دهه مبارزه و مقاومت فلسطین را بچکاند. این است و واقعیت تلخ سرزمین فلسطین و فلسطینی‌ها. در مواجهه با این واقعیت تلخ اتخاذ موضع صحیح بسیار سخت می‌نماید.

مشاهده حس انتقام‌جوئی امروز کردها نسبت فلسطینی‌ها و نزدیکی ایشان به اسرائیل همان قدر تأسف بار است که کشتار کودکان فلسطینی توسط ارتش اسرائیل خشونت‌بار و پشتیبانی امپریالیست‌ها از اسرائیل رذالت‌بار. نفرت بخش گسترده‌ای از مردم ایران - به ویژه اقلیت‌های ملی - از فلسطینی‌ها همان‌قدر محکوم و شرم‌آور است که قتل‌عام و تبعیض دولت جمهوری اسلامی نسبت به ایشان در ایران. متأسفانه همان‌طور که در ایران، از پس یک انقلاب مردمی یک دولت ارتجاعی سر برآورد و سی و پنج سال است که در قدرت باقی مانده، همان‌طور نیز حماس در فلسطین به یک آلترناتیو تبدیل شده است. امروزه می‌توان در اثر وحشت یا به‌شکل تاکتیکی یا از روی کینه و انتقام و... یک سوئی این تضاد را تصدیق و تقویت کرد اما لاجرم طرف دیگر نیز تقویت خواهد شد و در این میان توده‌های ستمدیده در نهایت مجبور خواهند شد پشت این نیرو یا آن نیروی واپس‌گرا صف بکشند.

بدون یک پاسخ انقلابی و آن هم کمونیستی به هیچ وجه نمی‌توان با مسأله فلسطین یک برخورد صحیح کرد. بدون یک پاسخ انقلابی و کمونیستی لاجرم دنباله روی این یا آن نیروی در صحنه خواهیم شد. بورژوازی تازه به قدرت رسیده و ارتجاعیون اسلامی در مبارزه رهایی‌بخش فلسطین، مشروعیتی ندارند. این‌ها باز تولید کنندگان نظام بردگی بشر هستند و تجربه خود را در گوشه و کنار دنیا پس داده‌اند. امروزه مسأله رهایی ملی، به انقلاب رهایی‌بخش و کمونیستی گره خورده است و نه چیز دیگری. هر شکل دیگری از دولت و کسب قدرت سیاسی توهم است. این مسأله چه در مورد کردستان و چه در مورد فلسطین صادق است. حتی در شرایطی که نیروهای چپ و کمونیست به طور فعال در صحنه نیستند، نباید به دنبال نیروهای ناسیونالیست و ارتجاعیون مذهبی روان شد و باید توده‌های مردم

را به این امر آگاه کرد. این که اسرائیل نه تنها یک دولت اشغالگر، بلکه جنایتکار جنگی و در پی پاکسازی نژادی فلسطینیان است، شکی وجود ندارد و باید به اشکال مختلف با آن مبارزه و مخالفت کرد اما این توهم که اسلحه در دست حماس است و با اسرائیل می‌جنگد را باید به دور ریخت و ماهیت ارتجاعی این نیرو را باید روشن کرد و پرده از برنامه سیاسی‌اش برداشت. شاید یکی از مهم ترین وظایف کمونیست‌ها در این دوران، روشن کردن مرز میان نظام سرمایه‌داری امپریالیستی و خلق جهانی دیگر است. در راستای این کار است که می‌توان تفاوت نگرش‌ها و نیروهای ناسیونالیست و مذهبی و ... و چارچوبه‌ای را که این نیروها در آن قرار دارند، ترسیم کرد. بدون ترسیم چنین چارچوبه‌ای نمی‌توانیم مختصات رهائی بشر را به درستی ارائه دهیم. توده‌های عاصی و خشمگین نیاز به مقایسه این دو و انتخاب آگاهانه دارند.

آری! به راستی آنچه تصورش دشوار است، نه ظلمت بل روشنائی است!*

*شعر ستاره دنباله دار از شاعر چینی بی دائو

کمیته جوانان بلژیک

جولای ۲۰۱۴